

## دو اثر از استالین

نشریه ۴۹ سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان  
تکثیر از جانب حزب کار ایران (توفان)

## پیشگفتار چاپ سوم

چاپ سوم این کتاب را حزب کار ایران (توفان) که ادامه دهنده راه سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان است بعد از فروپاشی شوروی سوسیال امپریالیستی و تحولات قرن بیست و یکم منتشر می‌کند. خوانندگان شاهدند که صحت پیشگویی‌های حزب ما در مورد فروپاشی شوروی رویزیونیستی با تکاملش به سوسیال امپریالیسم به اثبات رسیده است و امروز شوروی سابق به صورت روسیه امپریالیستی قد علم کرده که بیانگر آن است نظریه حمله به رفیق استالین حمله به سوسیالیسم است تا به چه حد با دوراندیشی بیان گشته است. این مرزبندی حزب ما با رویزیونیست‌ها یک مرزبندی کمونیستی در گذشته و حال بود و هست. ما این اثر را با تجلیل از استالین مجدداً منتشر می‌کنیم تا گامی مجدد در جهت افشاء رویزیونیسم برداشته باشیم. زیرا رویزیونیست‌ها که دیگر نمی‌توانند فروپاشی شوروی را انکار کنند خود را پشت دفاع از رفیق استالین که تا دیروز به وی حمله می‌کردند پنهان کرده‌اند. انتشار آثار استالین مبارزه با این رویزیونیست‌های نقابدار نیز هست.

حزب کار ایران (توفان)

دیماه ۱۴۰۰

## پیشگفتار چاپ دوم

کنگره ۱۹ حزب کمونیست اتحاد شوروی که در اکتبر ۱۹۵۲ تشکیل شد آخرین کنگره ای بود که استالین در آن شرکت داشت. در این کنگره نطق اختتامیه را استالین ایراد کرد و این آخرین نطق او است. چند ماه پس از آن استالین چشم از جهان فرو بست. جانشینان ناخلف و فرومایه او تمام آثار با ارزش او را از دسترس خوانندگان و علاقه مندان دور کردند، حتی در جاهائی، به سبک هیتلری ها آثار او را سوزاندند. کینه حیوانی این فرومایه گان نسبت به مارکسیسم - لنینیسم و سوسیالیسم در وحله اول در کینه نسبت به استالین و آثار او بروز کرد.

ما هواداران سازمان کارگران مبارز در خارج از کشور در تکثیر آثار استالین بزبان فارسی به جهت آشنا شدن بیشتر رفقا با آثار این رهبر پرولتاریای جهان کوشیده ایم و اینک سخنرانی او را در کنگره ۱۹ که آخرین اثر اوست به همراه نطق او در سوم ژوئیه ۱۹۴۱ در هنگام تجاوز ارتش آلمان فاشیستی به شوروی سوسیالیستی در دسترس خوانندگان قرار میدهیم.

هواداران سازمان کارگران مبارز ایران (سوئد)

## پیشگفتار چاپ اول

کنگره ۱۹ حزب کمونیست اتحاد شوروی که در اکتبر ۱۹۵۲ تشکیل شد آخرین کنگره ای بود که استالین در آن شرکت داشت. در این کنگره نطق اختتامیه را استالین ایراد کرد و این آخرین نطق او است. چند ماه پس از آن استالین چشم از جهان فروبست. جانشینان ناخلف و فرومایه او تمام آثار با ارزش او را از دسترس خوانندگان و علاقه مندان دور کردند، حتی در جاهائی، به سبک هیتلری ها آثار او را سوزاندند. کینه حیوانی این فرومایه گان نسبت به مارکسیسم - لنینیسم و سوسیالیسم در وحله اول در کینه نسبت به استالین و آثار او بروز کرد.

سازمان ما تا آنجا که در قوه داشته در تجدید طبع آثار استالین به زبان فارسی همت گماشته است و اینک سخنرانی او را در کنگره ۱۹ که آخرین اثر او است به همراه نطق او در سوم ژوئیه ۱۹۴۱ در هنگام تجاوز ارتش آلمان فاشیستی به شوروی سوسیالیستی در دسترس خوانندگان می‌گذارد.

سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان  
آذر ۱۳۵۵ - دسامبر ۱۹۷۹

## پایان سخن استالین در کنگره ۱۹

(نمایندگان ظهور رفیق استالین را در پشت تیریون با کف زندهای شورانگیزی که تا مدتی خاموش نمیشود و به هلهله مبدل میگردد استقبال میکنند. همه برمیخیزند. نداها. "به افتخار رفیق استالین هورا!!"، "زنده باد رفیق استالین!!". "زهی افتخار بر استالین کبیر!!" شنیده میشود).

رفقا!

اجازه بدهید از جانب کنگره ما به همه احزاب برادر و گروههایی که نمایندگانشان با حضور خود کنگره ما را مفتخر ساختند و یا پیامهای درود آمیز به کنگره ارسال داشته اند بمناسبت دروهای دوستانه و آرزوی کامیابی و بمناسبت اعتماد ابراز سپاسگزاری نمائیم. (کف زندهای شورانگیز و ممتد که به هلهله مبدل میگردد).

برای ما بویژه این اعتماد که معنای آن آمادگی برای پشتیبانی از حزب ما در پیکارش بخاطر آینده روشن خلقها، در پیکارش علیه جنگ، در پیکارش بخاطر صیانت صلح است، گرانبهاست. (کف زندهای شورانگیز و ممتد).

خطاست اگر بپنداریم که چون حزب ما که به نیروی با افتخاری مبدل شده است، دیگر نیازمند پشتیبانی نیست. این نادرست است. حزب ما و کشور ما پیوسته به اعتماد و هواخواهی و پشتیبانی خلقهای برادر در کشورهای خارجی نیازمند بوده و خواهند بود.

خصوصیت این پشتیبانی در آنست که هرگونه پشتیبانی از مجاهدات صلح دوستانه حزب ما از جنب هر حزب برادر، در عین حال بمعنای پشتیبانی از خلق خود در پیکارش بخاطر صیانت صلح است. وقتی که کارگران انگلستان در سالهای ۱۹۱۸-۱۹۱۹ به هنگام حمله مسلحانه بورژوازی انگلیس به اتحاد شوروی تحت شعار "دستها از روسیه کوتاه باد!" به پیکار علیه جنگ دست زدند، این پشتیبانی بود، مقدم بر هر چیز پشتیبانی از پیکر خلق خود در راه صلح و سپس پشتیبانی از اتحاد شوروی بود. هنگامیکه رفیق تورز یا رفیق تولیاتی اظهار میدارند که خلقهایشان علیه خلقهای اتحاد شوروی نخواهند جنگید (کف زندهای شورانگیز) این پشتیبانی است. مقدم بر هر چیز پشتیبانی از کارگران و دهقانان فرانسه و ایتالیا که در راه صلح پیکار میکنند و سپس پشتیبانی از مجاهدات صلح دوستانه اتحاد شوروی. توضیح این خصوصیت پشتیبانی متقابل آنست که منافع حزب ما نه تنها با منافع خلقهای صلح دوست مغایرت ندارد، بلکه بر عکس با آنها در می آمیزد. (کف زندهای شورانگیز). و اما در باره اتحاد شوروی باید گفت که منافع وی اصولاً از امر صلح سراسر جهان انفکاک ناپذیر است.

روشن است که حزب ما نمیتواند مرهون احزاب برادر باقی بماند و باید بنوبه خویش از آنان و نیز از خلقهای آنان در پیکارشان بخاطر رهائی، در پیکارشان بخاطر صیانت صلح پشتیبانی کند. چنانکه میدانیم وی همانا بدین شیوه هم عمل میکند. (کف زندهای شورانگیز). پس از آنکه حزب ما در سال ۱۹۱۷ حکومت را بدست گرفت و پس از آنکه حزب برای از بین بردن ستم سرمایه داران و ملاکان به اقدامات واقعی دست زد، نمایندگان احزاب برادر که از شهامت و کامیابی های حزب ما بوجد آمده بودند وی را به لقب "بریگارد ضربتی" جنبش جهانی انقلابی و کارگری ملقب ساختند. با این عمل آنها اظهار امید میکردند که کامیابی های "بریگارد ضربتی" وضع خلقهایی را که در قید ستم سرمایه داری رنج میبردند تسهیل خواهد نمود. من فکر میکنم که حزب ما بویژه در دوران دومین جنگ جهانی، هنگامیکه اتحاد شوروی دستگاه جباری فاشیستی آلمان و ژاپن را درهم شکانده خلقهای اروپا و آسیا را از خطر بردگی فاشیسم رها کند، این امیدواری ها را بر آورده ساخته است. (کف زندهای شورانگیز). البته اجراء این نقش پرافتخار، مادام که "بریگاد ضربتی" هنوز تک و تنها بود، مادام که هنوز وی ناچار بود این نقش پیشرو را تقریباً به تنهایی اجراء نماید، بس دشوار بود. ولی این مربوط به گذشته بود. حالا بکلی وضع دیگری است. اکنون که از چین و کره تا چکسلواکی و مجارستان

"بريگارد های ضربتی" نوین در وجود کشورهای دموکراسی توده ای پدید آمده اند، - مبارزه برای حزب ما آسانتر شده و کار هم صورت خوش تری بخود گرفته است. (کف زندهای شورانگیز و ممتد).

آن احزاب کمونیست، دموکراتیک و یا کارگری - دهقانی که هنوز حکومت را بدست نگرفته اند و در زیر چکمه قوانین شدادی بورژوازی بکار خود ادامه میدهند، در خور توجه خاصی هستند. البته کار آنها دشوارتر است. ولی کار آنها باندازه کار ما کمونیستهای روس در دورن تزاریسم، یعنی دورانی که ادنی جنبش بجلو بمثابه اشد جنایات تلقی میشد، دشوار نیست. معهذا کمونیستهای روس پایداری کردند و از دشواریها نهراسیدند و پیروزی را بچنگ آوردند. برای این احزاب نیز چنین خواهد شد.

با این حال چرا کار این احزاب در قیاس با کمونیستهای روس دوران تزاری آنقدر دشوار نخواهد بود؟ نخست بدین جهت که آنان نمونه هائی از پیکار و کامیابی های اتحاد شوروی و کشورهای دموکراسی توده ای را در برابر دیدگان خود دارند. لذا میتوانند از خطاها و کامیابی های این کشورها عبرت اندوزند و بدین سان کار خود را آسان سازند.

دوم بدین جهت که خرده بورژوازی- دشمن عمده جنبش رهائی بخش دگرگون شده، به نحوی جدی تغییر یافته، ارتجاعی تر گردیده و پیوند با مردم را از دست داده و بدینسان خود را ناتوان ساخته است. معلوم است که این کیفیت نیز باید کار احزاب انقلابی و دموکراتیک را تسهیل کند. (کف زندهای شورانگیز).

در سابق بورژوازی به خود اجازه میداد لیبرالیسم بفروشد. از آزادی های بورژوا- دموکراتیک مدافعه مینمود و بدینسان در میان مردم وجهه ای کسب میکرد. اکنون از لیبرالیسم اثری هم برجای نمانده است. دیگر از باصطلاح "آزادی شخصیت" خبری نیست. - اکنون حقوق شخصیت را تنها برای کسانی قائلند که دارای سرمایه اند و افراد دیگر را مواد خام انسانی میشمردند که تنها به درد استثمار میخورند. اصل برابری حقوق افراد و ملل پامال شد و اصل کامله الحقوق بودن اقلیت استثمارگر و بی حق اکثریت افرادی که استثمار میشوند، جایگزین آن شده است. پرچم آزادی های بورژوا- دموکراتیک بدور افکنده شد. من فکر میکنم که بر شما، نمایندگان احزاب کمونیست و دموکراتیک است که این پرچم را برافرازد و آن را به جلو برید. اگر خواستار آنید که اکثریت خلق را در پیرامون خود گرد آورید. دیگر کسی نیست که آن را برافرازد. (کف زندهای شورانگیز).

در سابق بورژوازی سر کرده ملت شمرده میشد و از حقوق و استقلال ملت مدافعه میکرد و آنها را "ما فوق همه چیز" میشمرد. اکنون اثری از "اصل ملیت" برجای نماند. اکنون بورژوازی حقوق و استقلال ملت را به دلار میفروشد. پرچم استقلال ملی و حاکمیت ملی بدور افکنده شد. تردیدی نیست که بر شما نمایندگان احزاب کمونیست و دموکراتیک است که این پرچم را برافرازد و آن را بجلو برید، اگر خواستار آنید که میهن پرستان کشور خود باشید، اگر خواستار آنید که نیروی رهنمون ملت خود باشید. دیگر کسی نیست که آن را برافرازد. (کف زندهای شورانگیز).

در حال حاضر وضع بر این منوال است.

معلوم است که همه این کیفیات باید کار احزاب کمونیست و دموکراتیک را که هنوز به حکومت نرسیده اند، تسهیل کند. لذا هر گونه دلیلی در دست است که به کامیابی و پیروزی احزاب برادر در کشورهای تحت سلطه سرمایه معتقد باشیم. (کف زندهای شورانگیز).

زنده باد احزاب برادر ما! (کف زندهای ممتد).

زنده و پاینده باد رهبران احزاب برادر! (کف زندهای ممتد).

زنده باد صلح بین خلقها! (کف زندهای ممتد).

دور باد جنگ افروزان! (همه بر میخیزند. کف زندهای شورانگیزی که تا مدتی خاموش نمیشود و به هلهله مبدل میگردد. نداها: "زنده باد رفیق استالین!"، "به افتخار رفیق استالین هورا!"، "زنده باد پیشوای کبیر زحمتکشان جهان رفیق استالین!"، "به افتخار استالین کبیر هورا!"، "زنده باد صلح بین خلقها!" فریادهای: "هورا!").

## سخنرانی استالین از رادیو مسکو در سوم ژوئیه ۱۹۴۱

رفقا! هم میهنان! برادران و خواهران! جنگجویان ارتش و نیروی دریایی ما! دوستان من! بشما خطاب می‌کنم!  
"حمله خائنانه" ارتش آلمان هیتلری به میهن ما که در ۲۲ ژوئن آغاز گردید ادامه دارد. با وجود مقاومت دلیرانه ارتش سرخ و با وجود اینکه دشمن بهترین لشکرها و ممتازترین قسمتهای هوا پیمائی خود را اکنون در میدانهای کارزار از دست داده باز هم نیروهای جدیدی به جبهه فرستاده و بیش‌زمانه به پیشروی خود ادامه میدهد. نیروهای هیتلری موفق شدند، کشور "لیتوانی" قسمت "لتونی"، قسمت غربی "بلوروسی" و قسمتی از اوکراین غربی را تصرف نمایند.  
هواپیماهای فاشیستی منطقه عملیات بمب افکن های خود را توسعه داده شهرهای: "مورمانسک" (۱) "اورشا" (۲) "موگیلوف" (۳) "اسمولسک" (۴) "کی‌یف" (۵) "ادسا" (۶) "سواستوپل" (۷) را بمباران میکند. میهن ما مورد خطری جدی قرار گرفته است.

علت اینکه ارتش سرخ پر افتخار ما تعدادی از شهرها و نواحی ما را به نیروی فاشیست ها واگذار کرده است چیست؟ آیا نیروهای فاشیستی آلمان بطوری که مبلغین خود پسند فاشیستی مدعی هستند و پی در پی نعره می‌زنند در حقیقت شکست ناپذیر میباشد؟ خیر! تاریخ به ما نشان میدهد که ارتش شکست ناپذیر وجود نداشته و ندارد. ارتش "ناپلئون" را روزی شکست ناپذیر میخواندند ولی آن ارتش هم در برابر نیروی روس، انگلیس و آلمان به دفعات دچار شکست گردید.

ارتش آلمان زمان "ویلهم دوم" را هم در نخستین جنگ امپریالیستی ارتش شکست ناپذیر میدانستند ولی آن ارتش نیز چندین بار در مقابل نیروهای روس، انگلیس و فرانسه مغلوب گردید و سر انجام بوسیله نیروهای انگلیس و فرانسه از پای در آمد. در باره ارتش کنونی فاشیستی هیتلری نیز باید همین نظر را داشت. این ارتش هنوز در قاره اروپا با مقاومت جدی مواجه نشده، تنها در خاک ما با مقاومت سرسخت روبرو گردیده است. اگر بر اثر این مقاومت بهترین لشکریهای ارتش فاشیستی آلمان بوسیله ارتش سرخ درهم شکسته شده اند باید چنین نتیجه گرفت همانطوریکه ارتش "ناپلئون" و "ویلهم" مغلوب گردیدند ارتش فاشیستی هیتلری را نیز میتوان شکست داد و مغلوب هم خواهد شد.

اما علت عمده اینکه قسمتی از خاک ما با وجود مقاومت قوای ما به تصرف نیروی فاشیستهای آلمان در آمده است این است که جنگ آلمان فاشیستی بر ضد اتحاد شوروی موقعی آغاز شد که اوضاع و احوال برای نیروهای آلمان مساعد و برای نیروهای شوروی نامساعد بود. یعنی نیروهای متخاصم آلمان در آن موقع تماما بسیج شده و ۱۷۰ لشگری که آن دولت علیه اتحاد جماهیر شوروی بکار انداخته بود، در پیرامون مرزهای شوروی تمرکز یافته و در حال آمادگی کامل منتظر فرمان حمله بودند، در صورتی که نیروهای شوروی هنوز احتیاج به بسیج و حرکت بسوی مرزها را داشتند. این موضوع هم که آلمان فاشیستی غفلتا از طریق پیمان شکنی معاهده عدم تجاوز سال ۱۹۳۹ بین آلمان و اتحاد شوروی را بدون توجه باینکه تمام جهانیان او را متجاوز خواهند شناخت نقض نمود حائز اهمیت میباشد. بدیهی است که کشور صلح طلب نمیخواست عمل نقض پیمان را به عهده گرفته و به شکستن پیمان مزبور مبادرت ورزد.

اکنون ممکن است از ما سؤال شود چگونه حکومت شوروی راضی به انعقاد پیمان عدم تجاوز با چنین مردمان پیمان شکن و پلیدی مانند هیتلر و "ریبنتروب" گردید؟ آیا میتوان این عمل دولت شوروی را خطائی پنداشت؟ البته خیر!  
... پیمان عدم تجاوز به منزله پیمان صلح بین دو دولت است. در سال ۱۹۳۹ دولت آلمان این پیشنهاد را به ما نمود! آیا حکومت شوروی میتوانست از قبول آن امتناع ورزد؟

من گمان میکنم که هیچ دولت صلح طلبی نمیتواند از انعقاد عهد نامه مسالمت آمیز با دولت همسایه خود ولو اینکه سران آن اشخاص پلید و آدم خواری مانند هیتلر و "ریینتروپ" هم باشند امتناع ورزد و این پیمان البته به یک شرط قابل قبول است که بطور مستقیم و یا غیر مستقیم لطمه ای به تمامیت کشور، به استقلال و شرافت دولت صلح جو وارد نیآورد. چنانکه معلوم است پیمان عدم تجاوز بین آلمان و اتحاد شوروی کاملاً چنین پیمانی میباشد. از پیمان عدم تجاوزی که ما با آلمان منعقد کردیم چه استفاده ای نمودیم؟

ما موفق شدیم که در ظرف یکسال و نیم در محیط صلح و آرامتر به تهیه قوا پرداخته و خود را برای مقاومت در صورت نقض پیمان از طرف آلمان فاشیستی و حمله به خاک ما آماده نمائیم. این عمل مسلماً به سود ما و بزیان آلمان فاشیستی بوده است. اینک که آلمان فاشیستی خائنانه قرارداد عدم تجاوز را زیر پا نهاده و به اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی حمله ور شده است چه نتیجه ای بدست آورده و چه مزایایی را از دست داده است؟ آلمان بدین وسیله در مدت کوتاهی موفق شد که برای ارتش خود موقعیت مساعدی بدست آورد ولی از لحاظ سیاسی با زیان هنگفتی مواجه گردید زیرا در نظر جهانیان خود را متجاوز و خونخوار معرفی نمود. تردیدی نیست که عمر این موفقیت نظامی برای آلمان کوتاه میباشد. در صورتی که موقعیت بزرگ سیاسی برای اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی یک عامل موثر و پردوامی است که موفقیت های قطعی ارتش سرخ در جنگ با آلمان فاشیستی بر اساس آن توسعه مییابند.

از همین لحاظ است که تمام ارتش دلیر، تمام نیروی دریایی با شهامت و کلیه خلبانان عقاب پرواز ما و تمام افراد کشور ما و بهترین اشخاص اروپا، آمریکا، آسیا و حتی افراد نیک سرشت آلمان اعمال جنایت کارانه فاشیستهای آلمان را تقبیح نموده و نسبت به حکومت شوروی ابراز حسن نیت کرده و رویه دولت شوروی را مورد تحسین قرار داده ما را ذی حق دانسته به شکست دشمن و پیروزی ما مطمئن میباشند.

بر اثر جنگی که به ما تحمیل شده اکنون کشور ما با غدارترین و مکارترین دشمن خود یعنی فاشیسم آلمان وارد پیکار سهمگین گردیده است. نیروهای ما بر علیه دشمنی که با تانکها و قوای هوایی مجهز میباشند دلاورانه پیکار میکند. ارتش سرخ و نیروی دریایی سرخ بر مشکلات و سختی های متعددی فائق آمده و برای دفاع از هر وجب خاک شوروی فداکاری مینمایند. نیروی عمده ارتش سرخ که با هزاران تانک و هواپیما، مسلح و مجهز میباشند وارد نبرد میشوند. شجاعت و رشادت جنگ آوران ارتش سرخ بی مانند است، مقاومت در برابر دشمن شدیدتر و فرونتر میشود. تمام ملل شوروی دوش به دوش ارتش سرخ برای دفاع از خاک میهن خود قیام نمودند.

اینک ما برای دفع خطری که متوجه میهنمان شده به چه چیز نیازمندیم و برای سرکوبی دشمن چه اقداماتی باید بعمل آوریم؟ نخست لازم است که ما یعنی افراد کشور شوروی به عمق خطری که ما را مورد تهدید قرار داده است پی برده و از هرگونه ترحم و تسامح و همچنین از طرز فکر دوران صلح و آسایش قبل از جنگ که صورت عادی و طبیعی داشته و اکنون مهلک است امتناع ورزیم چه جنگ در اساس و بنیان وضع تحول کلی ایجاد پیدا کرده است.

دشمن ما ظالم و سنگدل است. هدف او تصرف خاک ماست که با عرق جبین خود آن را آباد کرده ایم. و همچنین منظورش بدست آوردن غله و نفت ماست که در نتیجه زحمت و کار ما تهیه و تحصیل شده است. مقصودش استقرار حکمرمائی ملاکین، برقراری رژیم تزاری و همچنین ویران ساختن تمدن و استقلال ملی روس ها، اوکرائینها، بلوروس ها، لیتوانی ها، لتونی ها، استونی ها، ازبک ها، تاتارها، مولداوها، گرجی ها، ارمنی ها، آذربایجانی ها و سایر ملل آزادی اتحاد جماهیر شوروی میباشد و همچنین هدفش آلمانی ساختن و مبدل نمودن آنها به بردگان شاهزادگان و بارون های آلمانی است.

بنابراین ما با مسئله حیات و ممات ملل اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی روبرو شده ایم. اکنون موضوعی که در پیش است این است که ملل اتحاد شوروی یا بایستی آزاد بمانند و یا طوق رغبت و بردگی را برگردن نهند. بنابراین بایستی افراد ملل شوروی متوجه این نکته شده لاقیدی و سستی را از خود دورسازند، بایستی که آنها خود را بسیج نموده و تمام امور خود را بر پایه نوین زمان جنگ یعنی براساسی که فاقد ترحم نسبت به دشمن باشد قرار دهند.

سپس لازم است که اشخاص جبون و بزدل و کسانی را که باعث وحشت و اضطراب بی اساس گشته و افراد را به فرار تشویق میکنند از صفوف خود خارج سازیم و نیز ضروری است که افراد ملت ما در این مبارزه و پیکار ابداً ترس و هراسی به دل راه نداده و علیه فاشیستها که هدفشان اسارت و بردگی است در این جنگ میهنی آزادیبخش با نهایت شهامت به مبارزه پردازند.

"لنین کبیر" مؤسس دولت ما گفته است که شجاعت، شهامت، بی باکی و آمادگی برای فداکاری علیه دشمنان میهن از صفات ممتازة ملت شوروی میباشد. لازم است که افراد ارتش سرخ و نیروی دریایی ما که بالغ بر میلیون ها نفر میشوند



از این صفات برجسته بلشویکی برخوردار باشند. ما باید بی درنگ تمام امور خود را بر پایه احتیاجات جنگ استوار سازیم و همه چیز را تابع مصالح جبهه و فراهم آوردن وسایل درهم شکستن دشمن قرار دهیم. اکنون ملل اتحاد شوروی مشاهده مینمایند که رام کردن فاشیسم آلمان با آن کینه و عداوت شدیدی که نسبت به میهن ما، که جایگاه کار آزاد، اسایش و رفاه زحمتکشان است محال میباشد. ملل اتحاد شوروی باید برای دفاع از حقوق و سرزمین خود در قبال دشمن قیام نمایند.

ارتش سرخ، نیروی دریائی سرخ و کلیه هم میهنان اتحاد شوروی بایستی از هر وجب خاک شوروی دفاع کنند، بایستی برای حفظ شهرها و دهات تا آخرین قطره خون خود مبارزه نموده و از خود شجاعت، ابتکار، پشتکار و چالاکی که مختص ملت ما میباشد ابراز دارند.

ما باید به ارتش سرخ از هر حیث کمک نموده صفوف آنرا جدا تکمیل و کلیه تدارکات و احتیاجات آنرا تامین سازیم. ما باید در تنظیم و ترتیب حرکت سریع وسائل نقلیه که حامل افراد و ملزومات نظامی میباشد کوشش نمائیم و به کلیه مجروحین کمکهای موثر برسانیم، ما باید پشت جبهه ارتش سرخ را محکم نموده کلیه عملیات خود را برای انجام این منظور بکار بریم. ما باید در تامین پیشرفت سریع کارهای بنگاه ها اقدام جدی بعمل آوریم تا آنها موفق به تکثیر تولید: تفنگ- مسلسل- توپ- فشنگ- مونیسیون توپخانه و هواپیما گردند. ما باید در حفاظت کارخانه ها، ایستگاه های مولد برق، وسائل ارتباط تلفن و تلگراف اقدام و دفاع ضد هوائی محلی را تنظیم نمائیم.

ما بایستی بر ضد اخلاص گران پشت جبهه، علیه فراریان و تولید کنندگان وحشت، و انتشار دهندگان شایعات بی اساس بیرحمانه مبارزه نموده و همچنین جاسوسان، عمال تخریب، و چتربازان دشمن را نابود سازیم و در تمام این عملیات به گردان نابود کننده خود مساعدت و همراهی سریع بنمائیم.

باید در نظر داشت که دشمن ما بسیار مکار، محیل و در فریفتن و انتشار شایعات کذب تجربه فراوان دارد. باید تمام این نکات را مورد توجه قرار داده و در برابر هیچ تحریکی تسلیم نگردیم. بایستی کلیه اشخاصی را که بر اثر بزدلی و جبن باعث ایجاد وحشت گردیده و در امور دفاعی خلل وارد میسازند بلادرنگ و بدون توجه به مقام آنها، به دادگاه نظامی جلب نمایند. هنگام عقب نشینی اجباری قسمتهای ارتش سرخ بایستی کلیه اثاثیه خطوط آهن را همراه خود حمل و حتی یک لکوموتیو و واگن هم برای دشمن باقی نگذارند. نبایستی حتی یک کیلو گرم نان و یا یک لیتر بنزین بدست دشمن بیفتد. متصدیان کلخوزها (مزارع اشتراکی) باید کلیه احشام و غلات را همراه برده و غله موجوده را به دوائر دولتی بسپارند تا آنها به نواحی عقب جبهه حمل کنند، ضمناً بایستی کلیه اموال و اشیاء گرانبها را منجمله فلزات، غله و سوخت را که حمل آنها غیر ممکن است بکلی نابود سازند.

در نواحی که تحت اشغال دشمن در میآید بایستی دستجات پارتیزانی پیاده سوار تشکیل داد تا با قسمتهای دشمن به مبارزه پردازند و این پارتیزانها برای انفجار پل ها، تخریب راه ها، قطع ارتباط تلفن و تلگراف و همچنین برای آتش زدن جنگلها، انبارها و بته ها گروهان های تخریب تشکیل دهند.

در نواحی که تحت اشغال دشمن در آمده است باید وضع غیر قابل تحملی برای دشمن و هم دستان آنها ایجاد کرد و آنها را در هر قدم تعقیب و نابود ساخت و کلیه عملیات آنها را خنثی نمود.

جنگ بر علیه آلمان فاشیستی را نمیتوان یک جنگ عادی تلقی کرد چه این جنگ تنها جنگ بین دو ارتش نیست این جنگ در آن واحد جنگ بزرگ تمام ملل شوروی ضد نیروی آلمان فاشیستی میباشد. هدف این جنگ میهنی کلیه ملل شوروی ضد ستمکاران فاشیست تنها بر طرف ساختن خطری که متوجه کشور ما گردیده نیست، بلکه مقصود کمک به ملت های اروپائی است که تحت فشار ظلم و جور فاشیسم آلمان ناله میکنند. در این پیکار آزادیبخش ما تنها وبی یار نخواهیم ماند. ما در این جنگ عظیم متفقین صادق و با وفائی بین ملل اروپا و آمریکائی و حتی میان ملت آلمان که اسیر و دچار ظلم سران هیتلری میباشند خواهیم داشت. جنگ ما که به منظور آزادی میهن خود میباشد توأم با مبارزه ملل اروپا و آمریکا در راه استقلال آزادی و تامین دموکراسی آنها خواهد بود. این جنگ از ملتتهائی که طرفدار آزادی و علیه بردگی و مورد تهدید اسارت از طرف ارتشهای فاشیستی قرار گرفته اند، جبهه متحدی تشکیل خواهد داد و اینک نطق تاریخی "چرچیل" نخست وزیر بریتانیای کبیر در مورد کمک به اتحاد شوروی و بیانیه دولت ایالات متحده آمریکا در زمینه آمادگی آنها برای مساعدت به کشور ما که در قلوب ملل اتحاد شوروی احساسات تشکر آمیز تولید نموده اند نمونه بارزی از این احاد میباشد.

رفقا! نیروی ما عظیم و بی شمار است دشمن که زیاده از حد مغرور میباشد به زودی به عظمت نیروی ما پی خواهد برد.

در پیکار علیه دشمن مهاجم هزاران کارگر، کشاورز کلخوز و روشنفکران دوش به دوش ارتش سرخ قیام خواهند نمود. میلیون ها توده افراد ما برای شرکت در جنگ آماده خواهند شد، زحمتکشان "مسکو" و "لنینگراد" بمنظور کمک به ارتش سرخ به تشکیل هزاران هنگ ملی اقدام کرده اند.

در هر شهری که مورد تهدید دشمن و خطر هجوم او میباشد ما باید از این نوع هنگهای ملی تشکیل داده و تمام زحمتکشان را به مبارزه برانگیزیم تا در این جنگ میهنی ضد فاشیسم با ابراز فداکاری و جان نثاری موفق به دفاع از آزادی، شرف و میهن خود گردیم.

به منظور بسیج سریع کلیه نیروی ملل اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و برای درهم شکستن دشمنی که از طریق خیانت میهن ما را مورد حمله قرار داده است کمیته دفاع دولتی تشکیل گردیده که اکنون اختیار مطلق زمامداری دولت در آن کمیته متمرکز شده است. کمیته نامبرده شروع به کارنموده و اینک از تمام ملت دعوت کرده است که از ارتش سرخ و نیروی دریائی بمنظور درهم شکستن دشمن و نیل به پیروزی پشتیبانی نمایند و برای این منظور گردا گرد حزب لنین- استالین و در پیرامون حکومت شوروی متحد شوند.

کلیه قوای ما باید مصروف یاری و پشتیبانی از ارتش دلاور سرخ و نیروی دریائی پر افتخار سرخ ما گردد. تمام نیروی ملت برای درهم شکستن دشمن بکار برده شود.

برای غلبه بر دشمن و بدست آوردن پیروزی به پیش!